

مجله اقتصادی

شماره‌های ۹ و ۱۰، آذر و دی ۱۳۹۸، صفحات ۹۹-۱۱۷

عوامل فساد اقتصادی اختلاس و راهکارهای پیشگیری آن از منظر امام علی (علیه السلام)
با تأکید بر بیانیه گام دوم

حسن یعقوبی

دانشجوی دکتری دفتر نهاد ریاست جمهوری

yaghobi.h.110@gmail.com

داود خوش باور

دکتری دفتر نهاد ریاست جمهوری

davodkhoshbavar@gmail.com

در دیدگاه مدیریت دینی و الهی حضرت علی (ع) و به تبع آن در نظر امام خامنه‌ای مسئولیت هدایت و تربیت فرد و جامعه در کنار مدیریت از اهمیت بالایی برخوردار است. با این مبنا، حضرت علی (ع) ارائه الگوی درست برای اقتصاد خانواده و کشور را که شامل تقویت ایمان و تقوا، حق محوری، ایجاد سیستم نظارتی قوی و مستمر، توجه به شکایت‌ها و گزارش‌های مردم، افشای خیانتکار و تحقیر و برخورد جدی با آن، باز پس گرفتن بیت‌المال، امتیاز ندادن به خویشان و آشنایان، ریشه‌یابی عوامل فساد، و تأمین امنیت اقتصادی کارگزاران است را مطرح و بیان می‌کند. از این رو، این پژوهش با مراجعه به سیره قولی و رفتاری امیرالمؤمنین علیه‌السلام درصدد ارائه راه‌حلی برای پاسخ به این دو پرسش است که عوامل و راهکارهای جلوگیری از فساد اختلاس چیست؟ امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم در این باره چه توصیه‌ای دارند؟ همچنین از نظر رهبر فرزانه انقلاب، عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد اقتصادی بر سه رکن اساسی؛ قانون عادلانه، مجریان عادل و اجرای درست و بدون تبعیض قانون است که معماران و طراحان نظام اجتماعی و مدیران و سیاست‌گذاران در پی‌ریزی بنیان‌ها و سازمان‌های اجتماعی همواره باید آن‌ها را مد نظر قرار داده و با فساد با قاطعیت و جدیت برخورد کنند و این روش مبارزه با فساد مثل اختلاس را در جامعه تبدیل به گفتمان کرده و با حضور مردم به صورت جدی مورد مطالبه عمومی قرار گیرد. در نتیجه سخنان و توصیه‌های امام خامنه‌ای در این باره در بیانیه گام دوم دقیقاً منطبق با سخنان حضرت امیرالمؤمنین (ع) است. واژگان کلیدی: حضرت علی (ع)، اختلاس، فساد، امام خامنه‌ای، اقتصاد

۱. مقدمه

واژه فساد از ریشه فسد به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است. معادل انگلیسی آن، Corruption از ریشه لاتینی corruptus، به معنای شکستن و نقض کردن است. بدین معنا، فساد یعنی هر پدیده‌ای که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود بازدارد (حسینی و شمس، ۱۳۹۱: ۸۲-۸۳). در جایی دیگر فساد به سوءاستفاده از قدرت برای برداشت شخصی تعبیر شده است و مسائلی از جمله رشوه، کلاهبرداری، اخاذی، اختلاس و... را شامل می‌شود (همان).

فساد اقتصادی صورت‌های مختلفی دارد، از جمله رشوه، کلاهبرداری، اختلاس و بازپرداخت که ما در این مقاله به تعریف و بررسی علل ایجاد فساد اقتصادی اختلاس و راه‌های جلوگیری آن می‌پردازیم.

۲. اختلاس

اختلاس در لغت یعنی ربودن، دستبرد زدن، دست‌اندازی به حقوق دیگران، گرفتن شیئی با سرعت هرچه تمام‌تر و یا استفاده از فرصت مناسب است (کردلو، ۱۳۸۴: ۴۷). اختلاس خیانت در امانت مأمور دولت در تصاحب وجوه یا اسناد یا اموال متعلق به دولت است و یا نسبت به سایر وجوه یا اسناد یا اموال اشخاص به نفع خود یا دیگری است که بر حسب وظیفه به او سپرده شده است (قنبری، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

شهید ثانی می‌نویسد: «مختلس کسی است که مال را به طور پنهانی از غیر حرز بر می‌دارد و مستلب کسی است که مال را آشکارا برمی‌دارد و فرار می‌کند (شرح‌لمعه، ۱۳۷۷: ۱۴۵).

۲-۱. مهم‌ترین زمینه‌های رواج اختلاس و راه‌های جلوگیری از آن

۲-۱-۱. عدم پایبندی مذهبی و اخلاقی

به طور کلی پایبندی‌های مذهبی و اخلاقی در افراد می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده در جلوگیری از فساد اقتصادی و اداری عمل کند؛ ولی وقتی که این پایبندی‌های مذهبی همراه با اخلاق حرفه‌ای، وجدان کاری، جلوگیری از روحیه مادی‌گرایی و مصرف‌گرایی در افراد باشد، بیشتر می‌تواند در کنترل فساد مؤثر باشد.

عوامل بازدارنده این فساد

برخی عوامل بازدارنده مربوط به حوزه رفتار در نظام اداری هستند که حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در دو زمینه راهکارهایی را ارائه می‌دهند:

الف. تقویت ایمان و باورهای دینی

امیر مؤمنان علی (ع) در نامه‌ای به یکی از کارگزاران و مأموران خود فرمان می‌دهد به تقوا و ترس از خدا در امور پنهانی و اعمال مخفی، در آنجا که جز خدا هیچ کس شاهد و گواه و احدی غیر از او وکیل نیست و نیز به او فرمان داد که برخی از اطاعت‌های الهی را آشکارا انجام ندهد. در حالی که در پنهان خلاف آن را انجام می‌دهد. (و باید بداند) آن کس که پنهان و آشکارش، کردار و گفتارش با هم مخالفت نداشته باشد، امانت الهی را ادا کرده و عبادت را خالصانه انجام داده است (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۲۶).

در این نامه، حضرت علی (ع) پیش از آنکه دستورهای حکومتی و مدیریتی خویش را به کارگزار خود ارائه کند، او را به تقوا و پایبندی به دستورهای الهی دعوت کرد و کوشید که تقوا و پرهیزکاری را در او نهادینه کند. البته این شیوه منحصر به این نامه نیست؛ روش ایشان در بسیاری از نامه‌ها و رهنمودهای دیگر به کارگزاران، استانداران، فرمانداران، فرماندهان لشکری و... نیز چنین بوده است. چنان که در نامه معروف آن حضرت به مالک اشتر، ایشان پیش از ارائه دستورها و مقررات مدیریتی، او را به تقوای الهی و متابعت از دستورهای خداوند متعال دعوت می‌کرد (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۵۳).

مقام معظم رهبری نیز با پیوند عدالت و مبارزه با فساد در این زمینه می‌فرماید: «تحقق هر یک از ارزش‌های اجتماعی در جامعه نیازمند الزاماتی است که عدالت نیز از این رویه مستثنی نیست». رهبر معظم انقلاب اسلامی به برخی از این الزامات چنین اشاره دارند: «عدالت، با من بمیرم، تو بمیری درست نمی‌شود؛ عدالت، با تعارف درست نمی‌شود؛ اولاً قاطعیت می‌خواهد، ثانیاً ارتباط با مردم می‌خواهد، ثالثاً ساده‌زیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه، خودسازی و تهذیب می‌خواهد؛ این هم جزء پیش‌شرط‌ها و پیش‌نیازهای اجرای عدالت است. اول باید خودمان را درست کنیم و یک دستی به سر و صورت خودمان بکشیم تا بتوانیم عدالت را اجرا کنیم؛ وظیفه من و شما این‌ها است. واقعاً باید با ویژه‌خواران و فساد مبارزه کنیم.» ایشان مسئله خودسازی و اصلاح نگرش مسئولین را به مسئله عدالت گره می‌زنند (خامنه‌ای، ۸۵).

ب. حق محوری

امام علی (ع) فلسفه حکومت خود را اقامه حق می‌دانست و با مدهانه و سازش‌کاری در اداره امور مردم که سیاست اموی است، به شدت مخالف بود.

در جنگ جمل وقتی حارث همدانی، یکی از یاران حضرت به دلیل حضور عایشه (همسر پیامبر) و طلحه و زبیر در سپاه مقابل، دچار لغزش و تردید نسبت به موقعیت امیرالمؤمنین (ع) می‌شود، حضرت در پاسخ به او بدون جانب‌داری از خود این‌گونه می‌فرماید: نگاهت را به زیر افکندی و بالای سرت را نگاه نکردی؛ به همین جهت سرگردان شدی! تو حق را نشناختی تا اهل آن را بشناسی و باطل را نشناختی تا پیرو باطل را بشناسی (سید رضی، ۱۴۱۴: ۲۶۲).

بازگرداندن اموال غصب شده بیت المال و برکنار کردن فرماندارانی که عثمان آنان را به باطل به کار گماشته بود و اجرای حدود الهی حتی بر نزدیکان، نمونه‌ای از کارهای حضرت علی (ع) و سیره عملی آن حضرت بر حق‌مداری حکومت می‌توان شمرد. عبدالله بن زمه از علی (ع) درخواست مالی کرد، اما آن حضرت فرمود: «انّ هذا المال لیس لی و لا لک و انما هو فیء للمسلمین» (سید رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۲۳۲) این مال، نه از من است و نه از تو، بلکه از بیت‌المال مسلمانان است.

رهبری نیز حق‌گرایی را با عدالت پیوند می‌دهند و در باب حق‌گرایی می‌فرمایند: عدالت، تندروی نیست؛ حق‌گرایی است؛ توجه به حقوق آحاد مردم است؛ جلوگیری از ویژه‌خواری است؛ جلوگیری از تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان است (خامنه‌ای، ۱۳۸۴).

ج. اصلاح نگرش‌ها

امیر مؤمنان (ع) در نامه‌ای به اشعث بن قیس، به این مسئله مهم پرداخته، خطاب به او چنین می‌نویسد: کاری که در دست توست، طعمه (و فرصتی برای چپاول) نیست، بلکه امانتی است بر گردن تو (سید رضی، نامه ۵). در این نامه، حضرت تلاش می‌کند تا نگرش اشعث را به عنوان یک کارگزار حکومتی، به پست و مقامی که در اختیار اوست، تغییر دهد و او را به این حقیقت رهنمون سازد که قدرت و اختیاری که به او داده شده، تنها امانتی در دستان اوست تا بتواند وظایف محوله را به نحو احسن انجام دهد تا به اهداف مورد نظر دست یابد (خدمتی، ۱۳۸۴: ۴۳-۲۴).

همچنین حضرت امیر مؤمنان (ع) در نامه ای دیگری به قاضی منصوب از جانب خویش در منطقه اهواز چنین می‌نویسد: ای رفاعه! بدان که این امارت و حکومت، امانتی است که هر کس به آن خیانت کند، لعنت خدا تا روز قیامت بر او باشد (مغربی، ۱۳۸۵: ۲/ ۵۳۱).

لذا حضرت امیرالمؤمنین (ع) در حکومت خویش کنار ساختارهایی که برای جلوگیری از فساد طرح‌ریزی کرده بودند، از عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز غافل نبودند و برای ایجاد زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مبارزه با فساد در نظام اداری، راهکار تغییر نگرش کارگزاران نسبت به مسئولیت و وجدان کاری را ارائه داده‌اند. می‌توان گفت بین وجدان کاری و فساد، رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ به این معنا که با فقدان وجدان کاری، فساد و انحرافات افزایش خواهند یافت و وجود آن می‌تواند موجب کاهش فساد در سازمان‌ها شود. بدین ترتیب، ضعف وجدان کاری از مهم‌ترین ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی فساد است (حسنی، ۱۳۹۱: ۱۰۴-۸۱)؛ بنابراین علی (ع) با ارائه الگوی درست برای اقتصاد خانواده و کشور در حکومت علوی عنوان و بیان می‌کرد.

رهبر معظم انقلاب نیز در راستای اصلاح نگرش‌ها با برشمردن عدالت به عنوان یک اصل و ارزش می‌فرماید: «عدالت ارزش مستقلی از دیگر ارزش‌ها نیست که تحقق آن به‌تنهایی ممکن باشد، بلکه تحقق عدالت در گرو پیگیری دیگر ارزش‌هاست. این توأمان بودن تحقق ارزش‌ها یکی از الزامات مهمی است که باید پرچم‌داران گفتمان عدالت‌خواهی بدان توجه داشته باشند تا از افتادن در مسیر انحرافی در امان بمانند». حقیقت مذکور در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی این‌گونه مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. معظم‌له می‌فرماید: «اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به شدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است و دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم برای رسیدن به عدالت است» (خامنه‌ای، ۸۴).

ایشان همچنین یکی از راه‌های مبارزه با فساد را ضرورت گفتمان‌سازی آن در جامعه می‌دانند که می‌تواند به عنوان پیشران‌های انقلاب اسلامی عمل کند و نگرش قوی مثبت در این زمینه باشد. اهمیت گفتمان‌سازی در نگاه ایشان از آن جهت است که اگر می‌خواهیم یک خواسته‌ای تحقق پیدا کند، قدم اول این است که این خواسته را به صورت یک گفتمان پذیرفته‌شده در بیاوریم (خامنه‌ای،

۹۴). به‌واقع اگر تفکری به صورت گفتمان در آمد، اجرای آن دیگر کار دشواری نیست (خامنه‌ای، ۹۰).

۲-۱-۲. وجود خلأهای قانونی، ضعف قوانین و ضعف نهادهای نظارتی

وجود خلأهای قانونی و نارسایی‌های قانونی در برخی موارد زمینه‌ساز مفساد اقتصادی و شکل‌گیری پدیده زشت اختلاس می‌شود. در پاره‌ای موارد، بازدارنده نبودن قوانین موجود، موجب شکل‌گیری مفساد اقتصادی و ارتکاب چندین باره اختلاس می‌شود. ضعف نهادهای نظارتی نیز یکی از عوامل مهم بروز مفساد اقتصادی و اختلاس در کشور است. در صورتی که نهادهای نظارتی با دقت و تیزبینی لازم گلوگاه‌ها و نقاط آسیب‌پذیر را شناسایی و عملکرد مسئولان و نهادهای مختلف را زیر نظر داشته باشند، شاهد بروز مفساد اقتصادی و اختلاس در این سطح نخواهیم بود.

عوامل بازدارنده

الف. سیستم نظارت قوی و مستمر

اصل بازرسی و نظارت به عنوان یکی از وظایف حساس و اصلی در هر سازمان و مؤسسه و نهاد و ارگان است که به وسیله آن می‌توان بر ساختار و عملکرد و برنامه‌های یک مجموعه نظارت کرد و نقاط قوت و ضعف و اعتدال و یا انحراف آن را فهمید.

آن بزرگوار در فرمان به مالک اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ تَفَقَّدْ أَعْمَالَهُمْ وَابْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ...» (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۵۳). با فرستادن مأموران مخفی که اهل صدق و راستی و وفا باشند کارهای آنان را زیر نظر بگیر! زیرا بازرسی نهانی در کارشان، آنان را به رعایت امانت و ملاحظت با مردم و ادار می‌سازد؛ و با دقت فراوان، مواظب اعوان و انصار و کارگزاران خود باش و اعمال ایشان را تحت نظر داشته باش و چنانچه یکی از آنان دست به خیانتی زدند و مأموران مخفی تو به طور جمعی آن را تأیید کردند، باید که به آن اکتفا کنی و بدون تأخیر خیانتکار را به مقدار خیانتی که انجام داده است، کیفر دهی، آنگاه وی را در مقام خواری و مذلت بنشان و داغ خیانت بر پیشانی او بگذار و طوق رسوایی بر گردنش بیفکن».

جالب‌تر از این، فرمان حضرت علی (ع) به لزوم بازرسی مخفیانه است: «فَإِنَّ تَعَاهِدَكَ فِي السِّرِّ لِأَمْرِهِمْ حُدُودٌ لَهُمْ». جمله نخست نیز که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ثُمَّ تَفَقَّدْ أَعْمَالَهُمْ» کاوش و پیگیری و جست‌وجو و مراقبت و مانند آن را می‌رساند.

نکته دیگر آن است که واژه «تفقد» در چند بخش از این فرمان مبارک تکرار شده که نشان‌دهنده حوزه‌های مختلف کاری و نظارتی است: نظارت بر دستگاه‌های اجرایی، نظارت بر مالیات و دخل و خرج کشور و بودجه عمومی و بیت‌المال و تأکید بر تولید و سرمایه‌گذاری و آبادانی و عمران، نظارت بر بازار و توزیع و مبادلات اقتصادی و تجارتی و صنعتی و رسیدگی به کلیه امور مربوط به بازرگانان و صنعتگران و کسبه و تجار و خدمات مربوط. بازرسی باید دو نوع باشد: یکی رسیدگی و بررسی حضوری است و دیگری رسیدگی و بازرسی دورترین نقاط دنیای اسلام: و تَفَقَّدْ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ؛ و امور آنان را در حضور خودت بررسی کن! و فی حَواشی بلادک؛ و امور آنان را که در شهرهای دیگر و اطراف کشور اقامت دارند، بررسی کن!

در نهج البلاغه چنان که گذشت، حضرت علی (ع) می‌فرماید: «و ابعث العيون من أهل الصدق و الوفاء عليهم؛ (سید رضی، نامه ۵۳) بازرسانی را بر آنان اعزام کن که اهل راستی و وفادار باشند» و در همان نامه همچنین می‌فرماید: «فاستعملهم اختیاراً و لا تستعملهم محاباة و أثرة؛ آنان را بر اساس خیریت و شایستگی به کار بگمار و از روی روابط و امتیازهای نابجا آنان را به کار نگیر!». این موضوع بسیار جالب و آموزنده و حساس و سرنوشت‌ساز، در ابعاد گوناگون و حفظ و حراست و مراقبت در برابر نفوذ، وابستگی، سوءاستفاده، اختلاس و ارتشا، فساد و سوءاستفاده از مال و ثروت و قدرت، از چشم تیزبین و ژرف‌نگر امیرالمؤمنین علی (ع) هرگز مخفی نمانده است و ایشان بر آن تأکیدی بلیغ و آموزنده دارند.

تحقق عدالت نیازمند ثابت‌قدمی در مسیر حق است؛ چرا که در این مسیر موانع و مشکلات فراوانی وجود دارد که دستیابی به عدالت را دور و غیرممکن جلوه می‌کند و این امر موجب تضعیف اراده و انگیزه عدالت‌خواهان خواهد شد. به همین خاطر رهبر معظم انقلاب اسلامی تأکید دارند: یک سال پیش بود که ما مبارزه با مفاسد اقتصادی را بیان کرده دستگاه‌ها را ترغیب کردیم که در این مبارزه جدی باشند. اهتمام به این کار به خاطر آن است که مفاسد اقتصادی، جریان آلوده‌ای است که اگر جلوگیری و با آن مبارزه نشود، کل فضا را آلوده خواهد کرد. بحث یک جرم منفرد و تک افتاده نیست؛ برخورد با مفاسد اقتصادی برای نظام اهمیت حیاتی دارد. البته در آن نامه‌ای که به رؤسای محترم سه قوه نوشتم، عرض کردم مراقب باشید تخلفات مدیریتی را که غالباً به

اشتباه برمی‌گردد، با جرائمی که کسی از روی عمد مرتکب می‌شود، مخلوط نکنید (خامنه‌ای، ۱۳۸۱).

چالش‌های اقتصادی برخاسته از سه علت هستند: یکی علت درونی که عبارت است از «عملکردهای ضعیف / ضعف‌های مدیریتی» و «عیوب ساختاری» و دیگری علت بیرونی که عبارت است از «تحریم». با این حال، در صورت اصلاح مشکل درونی، تحریم، «کم‌اثر» و حتی «بی‌اثر» خواهد شد. مشکلات درونی نیز مشتمل هستند بر: «دولتی بودن اقتصاد»، «وابستگی اقتصاد به نفت»، «عدم ثبات سیاست‌ها»، «عدم رعایت اولویت‌ها»، «بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن»، «استفاده اندک از ظرفیت‌های انسانی بومی» و «هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه حکومتی» (خامنه‌ای، بیانیه، ۱۳۹۷). به نظر می‌رسد در اینجا، علت‌العلل، عبارت است از «ضعف‌های مدیریتی»، چون از یک سو، «تحریم» فرع بر مشکل درونی است و از سوی دیگر، «عیوب ساختاری» نیز حاصل ضعف‌های مدیریتی در ایجاد یا برطرف کردن آن‌ها است. به این ترتیب، باید گره اصلی و نقص عمده را «ضعف‌های مدیریتی» قلمداد کرد و برای اصلاح وضع اقتصادی از همین نقطه «شروع» کرد و «تحول مدیریتی» را جدی و تعیین‌کننده انگاشت.

ب. نظارت عمومی

امیرالمؤمنین (ع) مردم و حاکم را دارای حق معرفی می‌کند و حقوق هر یک را چنین برمی‌شمارد: بزرگ‌ترین چیزی که خداوند متعال از حقوق واجب گردانیده است، حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم است؛ واجبی که خداوند هر یک را بر دیگری واجب گردانیده و از این طریق، نظمی را برای الفت و دوستی ایشان و مایه عزت دینشان قرار داده است. پس مردم اصلاح نمی‌شوند، مگر به وسیله اصلاح حاکمان و حاکمان اصلاح نمی‌شوند، مگر به پایداری مردم (سید رضی، خطبه ۲۱۶). در حقیقت وظیفه سنگین امر به معروف و نهی از منکر بحث نظارت به مفهوم عام و فراگیر کلمه است و در حوزه حکومت و مردم قابل پیگیری است. انجام دادن این دو وظیفه مقدس هم در درون سیستم اداری و قضایی حکومت، به صورت یک اصل فراگیر، قابل توجه و دارای بازدهی و بهره‌دهی فراوان است و آثار و برکات بی‌شمار اجرایی و کاری دارد و هم در رابطه متقابل دولت با مردم و مردم با دولت، به معنای عام کلمه.

نقش عیون و عریف و نقیب و عوامل بازار و مأموران حسبه و محتسب، در صدر اسلام و تاریخ اسلام و دوران خلفا، به این مبنای عمیق و ریشه‌دار اسلامی برمی‌گردد. اداره و یا نهاد حسبه و نیز بحث آمرین به معروف و ناهیان از منکر و نیز بحث نظارت عمومی و نظارت بر صحت جریان امور و بحث تعزیر و تأدیب و تعزیرات حکومتی از همین مفهوم بلند نشأت گرفته است. ابعاد و حوزه گسترده این دو وظیفه خطیر در فرهنگ و نظام و میراث گران‌بهای علوی (ع) از جایگاهی بلند و مکانی ارزشمند برخوردار است. نکته جالب و برآزنده، حضور و اشراف و نظارت انسانی عادل و عدالت‌خواه و عدالت‌پرور به عنوان سکان‌دار نظام اسلامی و حامی عدالت و پشتوانه حق و عدل در جامعه اسلامی است که در مقایسه با نظام‌های دیگر، نقطه عطف است.

در مرتبه بعد، سازمان‌دهی امر نظارت و به‌کارگیری عناصر کارآمد و عیون و انسان‌های بصیر و خبیر و ثقه و امین و تیزبین در امر نظارت و بازرسی و پیگیری کارها است که خود، برگ زرین دیگری در امر نظارت و مراقبت و برخورد با فساد در جامعه اسلامی است.

و نیز مبتنی بر نظرگاه رهبری «اگر بخواهیم در جامعه عدالت به معنای واقعی اجرا شود باید مردم در صحنه اجتماع حضور کامل داشته باشند، حقوق خود را بفهمند و اجرای عدالت را که تأمین عادلانه آن حقوق است بخواهند. به همین جهت اسلام بر روی فهم و درک مردم تکیه می‌کند. اسلام نمی‌گوید که مجری عادل باشد؛ اما مردم می‌خواهند بفهمند یا بفهمند، بخواهند یا نخواهند، عدالت در حق آنان باید اجرا شود، چنین نیست. اسلام می‌گوید مردم باید به حقوق خود واقف باشند و اگر مردم به حقوق خود واقف شدند و آن حقوق را طلب کردند اجرای عدالت یک تضمین حتمی پیدا می‌کند. به همین جهت در دوران حکومت عادلانه امیر مؤمنان (ع) با اینکه قوانین اسلام در جامعه حاکم بود و با اینکه در رأس دستگاه حکومت، شخصی مانند علی بن ابی‌طالب قرار داشت که عدل مجسم بود، در عین حال برای اینکه عاملان حکومت در گوشه و کنار جامعه بزرگ اسلامی از جاده عدل تخطی نکنند و حقوق مردم پایمال نشود، امیرالمؤمنین (ع) به هوشیار کردن مردم و آگاه ساختن آن‌ها نسبت به حقوقشان اصرار عجیبی داشت» (خامنه‌ای، ۶۰).

این نکته نظر برآمده از نگاه مبنایی است که رهبری به جایگاه مردم در نظام اسلامی دارند. از این نگاه مبدأ همه حرکت‌ها در جامعه اسلامی مردم‌اند و تا مردم چیزی را نخواهند، آن امر در

جامعه محقق نخواهد شد و اگر هم با هر ترفندی محقق شود، دوام نخواهد آورد؛ لذا خواست و رأی مردم مهم‌ترین رکن ارزش‌های اسلامی-انسانی از جمله عدالت است.

۲-۱-۳. فقدان اراده جدی مسئولان و عدم سرعت، قاطعیت و جدیت در برخوردها

این مورد یکی از اصول اساسی در مبارزه با فساد برخورد یکسان و بدون تبعیض و جدی با مرتکبان آن است. احترام امام علی (ع) به قانون به حدی بود که خود را در برابر قانون صاحب‌اختیار نمی‌دانست. ایشان معتقد بود هیچ‌کس فراتر از قانون نیست. هیچ‌کس نمی‌تواند و نباید مانع اجرای قانون الهی شود. از این رو، حضرت می‌فرمودند: مبادا که رعایت حق و مراعات کسی شما را از برپایی حق باز دارد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۵۴).

در این بخش نیز سیره عملی امیرمؤمنان بسیار واضح و آشکار است؛ چرا که ایشان هیچ‌گونه تساهلی در برخورد شدید با افرادی که از قدرت خویش سوءاستفاده کرده و به کسب امتیازات و منافع برای خویش پرداخته‌اند، از خود نشان نمی‌دهد و به دور از مصالحه و مسامحه آنان را مؤاخذه و تنبیه می‌کند: «بَلَّغْنِي أَنْكَ جَرَدْتَ الْأَرْضَ فَأَخَذْتَ مَا تَحْتَ قَدَمَيْكَ وَ أَكَلْتَ مَا تَحْتَ يَدَيْكَ! فَارْفَعْ إِلَيَّ حَسَابَكَ! وَ اعْلَمْ أَنَّ حَسَابَ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ حَسَابِ النَّاسِ!»؛ باخبر شدم که زمین را از محصول خالی کرده‌ای و هرچه زیر پایت بود برگرفته‌ای و بیت‌المالی را که در اختیار داشتی خورده‌ای! پس حسابت را نزد من فرست! و بدان که حساب کشیدن خدا از حساب کشیدن مردم سخت‌تر است (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۴۰).

ایشان در نامه‌ای به منذر بن جارود عبدی که خیانتی در بیت‌المال انجام داده بود، به شدت وی را شماتت و تحقیر و از کار برکنار کرد: «وَلَكِنْ كَانَ مَا بَلَّغْنِي عَنْكَ حَقًّا، لَجَمَلُ أَهْلِكَ وَ شَسَعُ نَعْلِكَ خَيْرٌ مِنْكَ، فَأَقْبِلْ إِلَيَّ حِينَ يَصِلُ إِلَيْكَ كِتَابِي هَذَا!»؛ اگر آنچه از تو برایم گزارش شده درست باشد، شتر خانواده تو و بند کفش تو از تو بهتر است، پس هنگامی که نامه‌ام به دستت می‌رسد به نزد من آی (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۷۱).

از دیگر نقل‌های درخور توجه، گفتگوی میان امیر مؤمنان (ع) با شریح قاضی است. هنگامی که در زمان حکومت آن حضرت، شریح قاضی خانه‌ای به قیمت هشتاد دینار خریداری کرد و این خبر به امام (ع) رسید و آنگاه ایشان شریح را خواست و با لحن و نگاهی خشمگین وی را ملامت کرد و به تفصیل وی را با نصایح و مؤعظه‌های آتشین مورد نقد قرار داد: «فَانظُرْ يَا شَرِيحُ، لَا تَكُونُ

ابْتَعَتْ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكٍ، أَوْ نَقَدَتْ الثَّمَنَ مِنْ غَيْرِ حَلَالٍ، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَارَ الْآخِرَةِ؛ بنگر که مبادا این خانه را از غیر مال خود خریده باشی، یا بهای آن را از غیر حلال به دست آورده باشی که در این صورت هم در دنیا زیان کرده‌ای و هم در آخرت (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۳). در مجموع با نگاهی اجمالی به سیره حکومت علوی درمی‌یابیم که امیر مؤمنان (ع) در مقابل زیاده‌خواهی و فرصت‌طلبی ایشان ذره‌ای تسامح به خرج ندادند.

از نگاه حکیم فرزانه انقلاب اسلامی نیز «رکن دوم بعد از قانون جامع برای مبارزه با فساد نیروی اجراکننده این قوانین است؛ اگر قوانین عادلانه باشد اما نیروی اجراکننده عادل نداشته باشد از عدل اجتماعی خبری نخواهد بود و در نتیجه فساد ایجاد می‌شود. بهترین قوانین اگر مجریان شایسته‌ای نداشته باشد همیشه معطل خواهد ماند. یکی از مصداق‌های عدالت مبارزه با فساد مالی و اقتصادی است که بایستی جدی گرفته شود. من سال‌ها پیش هم این را گفته‌ام، بارها هم تأکید کرده‌ام، تلاش‌های خوبی هم انجام گرفته است و دارد انجام می‌گیرد؛ اما مبارزه با فساد کار دشواری است؛ کاری است که انسان مخالف پیدا می‌کند. شایعه درست می‌کنند، دروغ می‌گویند و آن کسی که در این میدان جلوتر از دیگران حرکت کند، بیشتر از همه مورد تهاجم قرار می‌گیرد. این مبارزه لازم است و باید انجام بگیرد. خوب، کسانی که بخواهند این کارهای بزرگ را چه در زمینه پیشرفت، چه در زمینه عدالت انجام دهند، باید مدیرانی باشند که به این چیزها معتقد باشند؛ حقیقتاً عقیده داشته باشند که عدالت باید برقرار شود، باید با فساد مبارزه شود. مدیران معتقد و مؤمن به این مبانی که دارای شجاعت باشند، دارای اخلاص باشند، دارای تدبیر و عزم راسخ باشند، قطعاً می‌توانند این مقاصد و این اغراض عالی الهی را تحقق ببخشند. این مطلب اولی که لازم بود عرض کنم (خامنه‌ای، ۱۳۸۸).

به واقع این دست‌های پاک‌اند که خواهند توانست پاکی و درستی را برای جامعه به ارمغان بیاورند. نکته تکمیلی آنکه تحقق این امر را باید در فرآیندهای گزینش کارگزاران نظام اسلامی دنبال کرد که مهم‌ترین آن عرصه انتخابات است. انتخابات اگر در مردم‌سالار دینی به فرآیند شایسته‌سالاری و گزینش اصلح بدل شود، آنگاه به جرئت می‌توان گفت که مکانیزم تحقق عدالت در جامعه نیز نهادینه خواهد شد.

۲-۱-۴. امتیاز و رانت و عدم بازی گیری بیت‌المال

امیر مؤمنان (ع) با عنایت به اینکه نزدیکان والی بزرگ‌ترین خطر برای استفاده خاص از منافع عمومی و موقعیت‌های ویژه اقتصادی هستند، در بخشی از فرمان خود به مالک اشتر، این امر را بررسی کرد و مالک را از آن نهی کرده و می‌فرماید: «...دگر آنکه هر زمامداری، یاران نزدیک و محرم اسراری دارد که در میان ایشان امتیازخواهی و درازدستی و بی‌انصافی در روابط اقتصادی پیدا می‌شود؛ اما تو ریشه ستم و فساد اینان را با بریدن اسباب آن برکن. مبدا به هیچ‌یک از نزدیکان زمینی واگذاری و مبدا کسی از سوی تو به این طمع افتد که مالک آب و زمینی شود تا به همسایگان در آبیاری یا کار مشترک خسارت وارد آورد و بارش را بر دوش دیگران اندازد» (همان).

از این فراز چند نکته برداشت می‌شود: اول آنکه، به والیان هشدار می‌دهند که همواره به طور طبیعی در اطرافیان و نزدیکان حاکم روحیه سودجویی بروز کند. علت بروز نیز غالباً مقاصد اقتصادی است که معمولاً به صورت امتیازهای ویژه آشکار می‌شود. دوم اینکه، باید مواجهه کارگزار به گونه‌ای باشد که این امتیازخواهی را در ریشه بخشکاند. سوم اینکه، در صورت بروز این پدیده، کارگزار به هیچ عنوان به فعلیت رسیدن آن را برنتابد و به گونه‌ای رفتار کند که سوءاستفاده کننده از طمع خویش ناامید شود. چهارم اینکه اگر آنان خود امکاناتی را فراهم آوردند، رفتار والی به گونه‌ای باشد که آنان از امتیاز خویشاوندی یا نزدیکی که دارند، در جهت استفاده بیشتر از منابع عمومی و مشترکات با همسایگان به کار نگیرند و بار خویش را به دوش دیگران نیفکنند و به آنان خسارت وارد نیاورند (صدر، ۱۳۸۵: ۱۲۴-۱۰۸).

امام علی (ع) با انحصارگرایی و انحصارطلبی‌ها مبارزه می‌کرد. معادل عربی انحصارطلبی، واژه استثثار است. استثثار از ریشه اُثْر، در مقابل اِثْر و به معنای مقدم داشتن خود یا وابستگان و هواداران خود بر دیگران در تأمین نیازها و خواست‌ها است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸/۴). عوامل زیادی در انحصارطلبی انسان‌ها نقش دارند. همچون بی‌اعتنایی به حقوق مردم، بی‌رغبتی به مکارم اخلاقی، حرص، بخل و خست؛ اما مهم‌ترین عوامل و ریشه‌های انحصارطلبی، خودخواهی، بی‌ایمانی یا ضعف ایمان است. اگر ایمان، خودخواهی ذاتی انسان را مهار نکند، انسان به طور طبیعی

انحصارطلب می‌شود و همه چیز را برای خود و وابستگان خود می‌خواهد. به فرموده امام علی (ع) هر کس به فرمانروایی رسد، انحصارطلبی پیشه کند (همان، حکمت ۱۶۰).

یکی از بهترین روش‌های مبارزه با انحصارطلبی زیردستان، دوری کردن مسئولان رده بالا از انحصارطلبی است. از ابواسحاق سیعی نقل شده است که امام علی (ع) در بیت‌المال چیزی باقی نمی‌گذاشت (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵: ۳/ ۲۱۰).

روش دیگر مبارزه با انحصارطلبی، توجه در گمارش افراد است. چنان که حضرت می‌فرماید: دربانان و اطرافیان خود را از نیکان برگزین و کسانی از آن‌ها را که امتیازخواه و متجاوز و فاقد انصاف‌اند از خود دور گردان و به احدی از کسان خود و اطرفیانت قطیعه‌ای وا مگذار و به آنان اجازه مده که ملکی را برای خویش گیرند (مغربی، ۱/ ۱۳۸۵/ ۳۶۷).

امام علی (ع) می‌فرمودند: «وَلَا تُخَالِطُوْنِي بِالْمُصَانَعَةِ»؛ (همان، خطبه ۲۱۶) با من با ساخت و پاخت و تبانی، معاشرت نکنید.

رهبر فرزانه انقلاب نیز می‌فرمایند: «مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست (خامنه‌ای، ۱۳۸۲).

مقام معظم رهبری در اردیبهشت ۱۳۸۰ یک فرمان با ۸ ماده صادر کردند که در آن بر مبارزه با مفاسد مالی و اقتصادی تأکید جدی شده است.

به هر حال بنده فساد را در کسی که با حکم من منصوب شده و می‌توانم او را از آن کار برکنار کنم، تحمل نمی‌کنم؛ اما این که «اگر رهبری لازم می‌دانست، به آن‌ها تذکر می‌داد» بله آنجایی که جای تذکر است، تذکر می‌دهم؛ اما تذکر به شخص چیزی نیست که از تلویزیون پخش شود. آن مقدار که شما می‌بینید بنده در سخنرانی‌ها، نماز جمعه و در دیدار با هیئت دولت تذکر می‌دهم و نصیحت می‌کنم - که در خبرها پخش می‌شود - چند برابرش را گاهی با زبان‌های بسیار تلخ، در جلسات خصوصی به مسئولان می‌گوییم؛ لیکن بنا نیست که هر چه به مسئولان تذکر می‌دهیم و می‌گوییم یا تلخی نشان می‌دهیم، حتماً پخش شود تا مردم مطلع شوند. هدف این است که آن شخص راهنمایی شود که خیلی از اوقات اثر می‌کند و گاهی هم اثر نمی‌کند و بعد می‌بینید آن شخص می‌رود (خامنه‌ای، ۱۳۸۲).

۲-۱-۵. عدم استقلال قضات و برخورد قضایی

در فرهنگ و میراث علوی (ع) بحث دستگاه قضایی و اعتبار و استقلال و هویت و کفایت آن، به عنوان یک اصل روشن و کارساز و مؤثر در پیشگیری از جرم و جنایت و در برخورد با مجرمان و جنایتکاران به حساب آمده است و از این حیث، همه در برابر قانون برابرند و قاضی موظف به اجرای حق و عدل و احقاق حقوق عامه و مبارزه با فساد در اشکال گوناگون آن شده است.

به لحاظ اهمیت قضاوت در جامعه، حضرت هم در انتخاب قاضیان معیارهایی را توصیه کرده و هم پس از گماشته شدن به این منصب، سفارش‌های لازم را درباره آنان کرده تا به ظلم و ستم وارد نشده و دنیاطلبی بر آنان مسلط نشود. معیارهایی که در انتخاب قاضی توصیه کرده‌اند عبارت است از:

۱. برترین فرد در علم قضا؛

۲. پرحوصله و صبور؛

۳. اشتباه‌پذیر؛

۴. اهل بررسی و تحقیق؛

۵. دارای مناعت طبع؛

۶. محتاط در شبهات؛

۷. خستگی‌ناپذیر؛

۸. پیگیر؛

۹. شکیبیا؛

۱۰. قاطع در فصل خصومت؛

۱۱. استحکام اراده و ثبات رأی (که در اثر مدح و ستایش و سوسه نشود و با تملق دیگران منحرف نگردد) (همان، نامه ۵۳).

در این میان یکی از مسائل و موضوعات مهم در مبارزه با فساد و غارت بیت‌المال و در شرایط کنونی برخورد با هر مدیر و مسئول متخلف است؛ امیر مؤمنان علی (ع) در این خصوص تأکید می‌کند: «لایقیم أمر الله إلا من لا یصانع...» - امر خدا را هرگز نمی‌تواند اقامه کند جز کسی که اهل سازش و زد و بند با مفسدان و دشمنان نباشد؛ حال اگر دست‌ان متولیان مبارزه با فساد ناپاک باشد،



چنین دستان آلوده‌ای که شکم‌های خود را از بیت‌المال پر کرده‌اند را، نمی‌توان «امانت‌دار بزرگ بیت‌المال» خواند.

رهبری نیز در این زمینه سخنان فراوانی دارند از جمله اینکه می‌فرمایند: «نسبت به فساد درون قوه قضاییه سخت‌گیری کنید. علتش هم این است که این [قوه] مسئول رفع فساد است؛ اگر خودش فاسد شد، گناه او نابخشودنی است. هرچه رتبه شأنی و حقوقی انسان بالاتر رفت، به همان اندازه اهمیت کار او هم در جنبه مثبت و هم در جنبه منفی بیشتر می‌شود؛ شما ملاحظه کنید خداوند متعال در قرآن به زن‌های پیغمبر خطاب می‌کند که «يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ مَنْ يَأْتُ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ» هر کدام از شماها کار خلافی بکنید عذابتان دو برابر است؛ یعنی همان کاری را که اگر یک زن دیگر بکند پیش خدای متعال صد چوب خوردن دارد، شما انجام بدهید، دوست چوب به شما می‌زنند؛ چرا؟ چون زن پیغمبرید» وَمَنْ يَّقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ أَوْ بِوَالِدَيْهِ أَوْ إِخْوَانِهِ أَوْ بِنَاتِهِ أَوْ بِنَاتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ. این به خاطر اهمیت پاداش او هم دو برابر است؛ کار خوب هم که بکنید، پاداشتان دو برابر است. این به خاطر اهمیت جایگاه انسان است. پیشگیری از وقوع مفسده به عهده قوه قضاییه است (خامنه‌ای، ۱۳۸۷).

۲-۱-۶. عدم ریشه‌یابی عوامل و بسترهای فسادزا و از بین بردن آنها

گام بعدی امام علی (ع) در برخورد با مفاسد ریشه‌یابی عوامل و بسترهای فسادزا و از بین بردن آنها بود. یکی از بزرگ‌ترین اهداف پذیرش حکومت توسط امام (ع) مبارزه با ظلم، فساد و طغیان، تبعیض، بی‌عدالتی و احقاق حقوق مردم و حاکمیت اسلام اصیل و ایجاد اصلاحات همه‌جانبه، عمیق و گسترده و کارساز و فراگیر در جامعه اسلامی بود. یک بخش مهم از این اصلاحات به تحولات ساختاری، اداری و مدیریتی، قضایی و اجرایی و نوع نگرش به بودجه عمومی کشور و بیت‌المال مسلمانان و نوع بهره‌برداری و استفاده از آن بوده است. امام (ع) وعده این تحولات و اصلاحات را در آغاز مسئولیت و زمامداری خود داد و فرمود: «به آنچه می‌گویم متعهد و پایبند هستم و سر حرف خود ایستاده‌ام و با کسی ملاحظه و رودربایستی نخواهم داشت (سید رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۶).

با توجه به اهمیت و حساسیت این موضوع، سیره و شیوه‌ها و سیاست‌های آن بزرگوار را در راه تحقق و اجرای عدالت بازمی‌نمایم.

الف. مبارزه با جنون قدرت (همان، نامه ۵۳)؛

ب. تصفیه و پالایش جامعه از عناصر فاسد و فرصت‌طلب (همان، خطبه ۶)؛

پ. مبارزه با تکبر و تفرعن (همان، خطبه ۲۱۶)؛

ت. مبارزه با تملق و چاپلوسی (همان، حکمت ۳۴۷)؛

ث. مبارزه با اغنیا و مترفین (همان، خطبه ۱۹۲)؛

ج. مبارزه با تبانی و ساخت‌وپاخت (همان، خطبه ۲۱۶، نامه ۴۰)؛

خ. نفی تبعیض حتی نسبت به نزدیک‌ترین افراد (همان، نامه ۴۱-۲۰-۴۰)؛

د. هشدار در مورد خیانت در بیت‌المال و مبارزه با آن (همان، نامه ۲۶).

مقام معظم رهبری نیز به این مسئله حساس هستند و می‌فرمایند: «کسی که خودش آلوده به فساد باشد، قادر نخواهد بود با فساد مبارزه کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱).

مفاسد اقتصادی، مفاسد فرهنگی و مفاسد اخلاقی را هم با خود به همراه می‌آورد (همان، ۱۳۸۷).

اگر مسئولان کشور خودآگاهی لازم را داشته باشند، آنگاه می‌فهمند که مبارزه با فساد لازم و یک جهاد است (همان، ۱۳۸۰).

یکی از موانع پیشرفت اقتصادی کشور، وجود گلوگاه‌های فساد است که به شدت باید از آن ترسید و با آن مقابله و مبارزه کرد (همان).

مسئولان کشور انواع و اقسام فسادها را باید شناسایی کنند و با آن‌ها مبارزه جدی کنند؛ نه در حرف و زبان (همان، ۱۳۷۹)؛ لذا تلاشگران تحقق عدالت باید تلاش کنند تا در گام اول کاستی‌های قوانین موجود مرتفع شود و در نهایت قوانین عادلانه‌ای جامع تدوین شود تا معیاری برای عمل قرار گیرد.

۲-۱-۷. عدم تأمین نیازهای اقتصادی کارگزاران صالح

امیر مؤمنان علی (ع) معتقد بود برای پیشگیری از فساد، باید کارگزاران دولت از حقوق کافی برای تأمین زندگی برخوردار باشند تا زمینه برای اصلاح آنان فراهم شود و نیاز به اخذ اموال عمومی و بهانه‌ای برای فساد و خیانت نداشته باشند. مسئله تأمین زندگی و نیازهای اقتصادی کارگزاران را حضرت از وظایف سازمان حاکمیت می‌داند و این امر را به صورت جدی به مدیران گوشزد می‌کند. ایشان در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «آنگاه حقوق کافی به آنان بده؛ زیرا این کار آن‌ها را در اصلاح خویشان تقویت می‌کند و از خیانت در اموالی که زیردست آن‌ها است،

بی‌نیاز می‌سازد و حجتی علیه آن‌هاست، اگر از دستورات تو سرپیچی کنند و یا در امانت تو خیانت کنند» (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۵۳).

امام علی (ع) در استحکام اراده و ثبات رأی (که در اثر مدح و ستایش، وسوسه نشود و با تملق دیگران منحرف نگردد، سفارش می‌کند: «پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در قضاوت‌های او بیندیش و آنقدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد و به مردم نیازمند نباشد و از نظر مقام و منزلت آنقدر او را گرامی دار که نزدیکان تو، به نفوذ در او طمع نکنند تا از توطئه آنان در نزد تو در امان باشد (همان، نامه ۵۳).

رهبر فرزانه نیز توجه جدی به مسئله کارگزاران دارند و می‌فرمایند: هر مدیری باید زیرمجموعه خودش را زیر چتر حمایت خودش قرار بدهد؛ در غیر این صورت آن‌ها نمی‌توانند کار کنند؛ ولی این دفاع از همکار - که سنت بسیار پسندیده و خوبی است - مانع نشود که اگر گزارشی علیه آن همکار آمد، شما به جد به آن برسید (خامنه‌ای، ۱۳۷۰).

۳. نتیجه‌گیری

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را می‌توان مانیفست انقلاب اسلامی در آستانه ورود به دهه پنجم انقلاب اسلامی دانست که نقشه راه انقلاب اسلامی به حساب می‌آید. در میان توصیه‌های هفت‌گانه کلیدی رهبری به جوانان در بیانیه گام دوم، چهارمین محور اختصاص به «عدالت و مبارزه با فساد» دارد. نوع نگرش حضرت علی (ع) و به تبع آن نظر امام خامنه‌ای نیز با توجه به نظام الهی تبیین می‌شود. نوع نگرش حضرت به حکومت و حاکمان و کارگزاران و بیت‌المال و قدرت و اقتدار حکومت و مسئولیت امام و رهبر و شیوه برخورد در بیانات نورانی آن حضرت فراوان می‌توان یافت. از سیره و گفتار امیرالمؤمنان (ع) و مقام معظم رهبری این‌گونه استفاده می‌شود که برای جلوگیری از فساد در سازمان حکومت و نظام اداری، راهکارهای زیر را ارائه داده‌اند: در عوامل روانی و رفتاری؛ راهکار تقویت ایمان و باورهای دینی، حق محوری و در عوامل سازمانی؛ راهکار گزینش کارگزاران صالح و توانا، برکناری کارگزاران فاسد، قاطعیت توأم با مدارا، انضباط اداری و ایجاد تشکیلاتی برای نظارت عملکرد کارگزاران و در عوامل فرهنگی و اجتماعی؛ راهکار تغییر نگرش کارگزاران نسبت به مسئولیت و وجدان کاری، کنترل و نظارت اجتماعی و در عوامل سیاسی؛ راهکار قانون‌گرایی و عدم تبعیض در برخورد با فاسد، شفافیت‌گرایی و در عوامل اقتصادی؛ راهکار

اصلاح نظام اداری و مالیاتی، تأمین نیازهای اقتصادی کارگزاران صالح، پرهیز از دادن امتیازات ویژه و رانت، ممنوعیت هدیه و رشوه، مبارزه با انحصارگرایی و انحصارطلبی. می‌توان گفت با رعایت اصول یاد شده، عوامل بازدارندگی نسبت به بخش زیادی از فسادها و همچنین ریشه کن شدن آن در برخی شرایط فراهم خواهد شد.

منابع

- قرآن کریم
- ابن ابی‌الحدید. عبدالحمید (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه لابن ابی‌الحدید. تحقیق ابراهیم، محمد ابوالفضل. قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی.
- ابن عبدالبر. یوسف بن عبدالله (۱۴۱۵). الاستیعاب فی معرفه الأصحاب. تحقیق علی محمد بجاوی. بیروت: دار الجیل.
- ابن منظور. محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
- تمیمی. عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق سید مهدی رجایی. قم: جلد دوم. دارالکتاب الاسلامی.
- حسنی. علی. شمس عبدالحمید (۱۳۹۱). «راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر اساس ارزش‌های اسلامی». اسلام و پژوهش‌های مدیریتی. شماره ۵. مطالعات فرهنگی
- خدمتی. ابوظالب (۱۳۸۴). «سیره حضرت علی علیه‌السلام در مبارزه با فساد اداری». روش‌شناسی علوم انسانی. شماره ۴۵.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب.
- (۸۵/۳/۲۹). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان.
- (۸۴/۵/۱۲). مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری.
- (۸۱/۴/۵). دیدار رئیس، معاونان و کارکنان قوه قضائیه در سالروز هفتم تیر.
- (۸۸/۱/۱). حرم امام رضا علیه‌السلام.
- (۸۲/۶/۵). دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت.
- (۸۲/۲/۲۲). جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی.

- (۸۷/۴/۵). دیدار رئیس و مسئولان قوه قضاییه.
- (۸۷/۴/۵). دیدار مسئولان قضایی کشور.
- (۸۱/۷/۳۰). دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان.
- (۸۷/۴/۵). دیدار مسئولان قضایی کشور.
- (۸۰/۱۰/۱۹). دیدار مردم قم.
- (۸۰/۵/۱۱). مراسم تنفیذ ریاست جمهوری.
- (۷۹/۱۰/۷). خطبه‌های نماز عید سعید فطر.
- (۷۰/۶/۳). دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت.
- سید رضی. محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه. قم: مؤسسه نهج البلاغه.
- شهید ثانی. زین العابدین (۱۳۷۷). الروضه البهیة فی شرح لمعه الدمشقیة. جلد ۹. قم: مکتبه الداوری.
- صدر. علیرضا (۱۳۸۵). «روش امام علی علیه‌السلام در برقراری عدالت اقتصادی». پژوهش‌های نهج البلاغه. شماره ۱۷ و ۱۸.
- صدر. سید محمدباقر (۱۳۹۳). اقتصاد ما. ترجمه سید ابوالقاسم حسینی. قم: ژرفا. پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر.
- قنبری. مجید (۱۳۸۸). تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی. تهران: نشر نوآور.
- کردلو. محمدرضا (۱۳۸۴). «فساد مالی». مجله دانش حسابرسی. سال ۵. شماره ۱۶.
- محنت‌فر. یوسف (۱۳۸۷). فساد اقتصادی و چگونگی مبارزه با آن در فرایند توسعه اقتصادی.
- مغربی. نعمان بن محمد (۱۳۸۵). دعائم‌الاسلام. جلد دوم. قم: مؤسسه آل‌البیت.